فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید
عبدالعلی نور احرار^{ری}
اورا در امور دین دانشمند می سازد

رَبِّ اِشْرَحْ لِي صَدْرِي ○
وَيَسِّرْ لِي اَمْرِي ○ وَاخْلُلْ عُقْدَةً
مِنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

”ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!
او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما
له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په
خبرو (نبه) وپوهیږي.“

اپریل 2019

رجب 1440

شماره دو صد پنجاه و نهم

تجدید فقه اسلامی

تعدد زوجات

روز شنبه دوم مارچ، 2019 دکتور أحمد الطیب شیخ
جامع الازهر گفت که تعدد زوجات ظلم برای زن و اولاد در
بسیاری حالات است و این مسأله از جمله اموری است که
مردم در مورد آن فهم صحیح از قرآن کریم و سنت نبوی
ندارند.

ما باید آیات که در مورد تعدد زوجات است آنرا بشکل
کامل بخوانیم. بعضی می خوانند: (مثنی، ثالث و رباع،
دو، سه و چهار) و این عدد جز از آیت است نه کامل آیه،
آیه قبل و بعد را هم دارد.

شیخ الطیب سوال میکند: آیا مسلمان فعلاً آزاد است تا
زن دوم و سوم و چهارم را بالای زن اول خود بگیرد؟ و یا
این آزادی مقید به شروط و قیودات است؟ عدد (حق
مقید) است و به عبارت دیگر اجازه به سبب احتیاج
میباشد، و اگر سبب بجا آمد اجازه باطل می شود.

او می گوید تعدد مشروط است به عدل و اگر عدالت
نباشد تعدد حرمت می یابد و عدالت به تجربه گذاشته
نمیشود باین معنی که شخص با زن دوم ازدواج کند تا
دیده شود که عدالت میتواند و اگر عدالت کرده نتوانست
طلاق صورت گیرد و یا اینکه ترس از عدالت حرمت
تعدد را دارد. قرآن کریم می گوید: {فإن خفتم ألا تعدلوا
فواحدة} اگر ترسید که عدالت کرده نمی توانید پس یک
زن.

رئیس اتحاد بین المللی علمای اسلام دکتور أحمد
الریسونی دعوت به تجدید 90 درصد از فقه اسلامی را
نمود تا با قافله زمان در حرکت باشد.

دکتور الریسونی در جلسه کنفرانس بین المللی زیر
عنوان « التراث و متطلبات العصر » (میراث و
متطلبات عصر) که در شهر الدار البيضاء، مغرب با
اشتراک علمای مشهور از جهان اسلام دائر شده بود
پیشنهاد تجدید فقه اسلامی را نمود.

دکتور الریسونی گفت: « در حدود 90 درصد فقه
اسلامی باید تغییر نماید، زیرا عصر ما طرح (قضایای
فقهی جدید) و واقعات جدید است که فقه موجود ساحة
آن تنگ شده است. او اضافه کرد که «تجدید باید شامل
علوم شرعی نیز باشد تا با عصر حاضر توافق داشته
باشد».

او ادامه داده می گوید: باید تجدید شامل تمام علوم
شرعی و علم توحید و اصول فقه باشد.

الریسونی می گوید: برای علماء واجب است تا تمام
مراجع و علوم دینی را تصحیح نمایند تا با عصر حاضر
همنوا باشد و مشکلات مردم در عصر حاضر حل شود.
دکتور الریسونی از مدرسه فقه مقاصد پیروی میکند.

پروفسور داکتر عبدالستار سیرت

الله (جل جلاله)

العزیز

الله تبارک و تعالی در سلسله اسماء الحسنی ذات اقدس خود را چنین معرفی می فرماید:

(لا إله إلا هو العزیز الحکیم - آل عمران: 18).

نیست معبود بحق بجز او تعالی که عزیز (غالب، قوی) با حکمت است. (و إن ربک لهو العزیز الرحیم - الشعراء: 9) و به تحقیق پروردگار تو بدون شک عزیز (مقتدر، توانا) مهربان است.

و الله به صیغه امر فرموده است: (فاعلموا أن الله عزیز حکیم - البقرة: 209) پس بدانید که الله غالب با حکمت است.

العزیز که نام مبارک و زیبایی الله تعالی است معنی دارنده قوت، غلبه و رفعت و اقتدار امتناع را افاده میکند، این اوصاف مخصوص مقام پروردگار است و آن بندگان که الله خواسته باشد بخشی ازین عزت را به آنها عنایت می فرماید، مانند این است آیه کریمه: (و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین و لكن المنافقین لا یعلمون - المنافقون: 8). عزت و رفعت خاص برای الله است و برای رسول او و برای مؤمنان، لكن منافقین نمیدانند.

درین آیه مبارکه تردید قاطع آن منافقین که عزت را به مال و جاه و اعتبارات دنیوی نسبت میدادند وارد شده و اختصاص عزت به مفهوم حقیقی به الله و اعطای عزت به رسول خدا و مؤمنان صالحان تأکید گردیده است.

عزت و عزت النفس با تکبر و غرور فرق دارد در عزت احساس به کرامت و مقام گرامی انسانیت است با فهم حقیقت نفس انسانی، اما در کبر و غرور انکار حقوق و ارزش ها و جهل انسان در حقیقت نفس انسانی است.

الله العزیز این نام مبارک خود را در کلام مجید مقارن (الحکیم) و یا مقارن (الرحیم) ذکر فرموده مانند آیه کریمه (و إن تغفر لهم فإنک أنت العزیز الحکیم - المائدة: 118) و آیه کریمه (و إن ربک لهو العزیز الرحیم - الشعراء: 9).

و این امر میرساند که عزت و قدرت الله - جل جلاله - مقرون به حکمت و عدالت و همچنان رحمت او تعالی است.

لفظ (العزیز) و مشتقات آن بیش از یکصد بار در قرآن کریم تکرار شده است.

{ گرفته شده از: شرح مختصر أسماء الله الحسنی، اثر پروفسور داکتر عبدالستار سیرت. شما میتوانید این کتاب را از تلویزیون ایمان و صدای حق بدست آورید. }

القهار

القاهر و القهار از اسماء الله الحسنی است، القهار مبالغه القاهر و ماخوذ از قهر و غلبه و سلطه و قدرت بزرگ می باشد، القاهر صاحب قهر و القهار دارای بسیار قهر به معنی استیلاء و قدرت مطلق بر همه چیز از صفات الله متعال بوده و در آیات مبارکه قرآن کریم بارها تکرار شده است:

(وهو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخبیر - الأنعام: 18). و او است الله، غالب و مقتدر بر بندگان خود و او است حکیم (در تدبیر امور) و آگاه (به همه احوال). (قل الله خالق کل شیء و هو الواحد القهار - الرعد: 16). بگو (ای محمد صلی الله علیه و سلم الله) آفریننده همه چیز و او تعالی یکتا (و) صاحب قهر و قدرت بزرگ است.

وصف قاهر و قهار الله تعالی طغیان و تجاوز ستمگاران و پادشاهان و رؤسای مستبد را درهم می شکند و قدرت انتقام و ظلم آنها را از بین می برد، استعمال قهر و غلبه از جانب بندگان می باید که به ضد نفس اماره بالسوء و شهوت و طغیان نفس خود شان بکار برده شود نه در مقابل ضعفاء و بیچارگان و مظلومان، که در آن صورت قهر الله قهار بسر وقت شان رسیده سر ظلم شانرا به ذلت خم و دست تجاوز شانرا یکباره کوتاه خواهد ساخت.

کلمه (القاهر) دو بار و (القهار) شش بار در قرآن کریم ذکر شده است.

درس زندگی

اقتباس از اصلاح آن لاین
 ابو العاص پیش از بعثت نزد پیامبر گرامی اسلام رفته و
 می گوید: می خواهم با دختر بزرگ ات زینب ازدواج
 نمائیم! **(ادب و بی تکلفی)**

پیامبر در پاسخ اش می گوید: باید با دخترم مشوره کنم
 ، و این کار را بدون اجازه دخترم نخواهم کرد!
 پیامبر نزد زینب می رود و به او رو کرده میگوید: پسر
 خاله ات نزد آمده بود و اراده ازدواج را با تو دارد، آیا
 راضی هستی با او ازدواج کنی؟

زینب در حالی که از شدت حیاء زنگ اش سرخ گشته ،
 تبسم بر لب دارد **(حیاء)**

وقتی پیامبر مخالفتی از جانب زینب نمی بیند ، او را به
 عقد ابو العاص ابن ربیع در آورده ، و داستان یک
 زندگی محبت آمیز و پر مخاطره آغاز می یابد. (تقدیر)
 زینب مادر دو فرزند از ابو العاص به نام های علی و
 امامه می گردد ، اما بعد ها این زوج جوان به مشکل بس
 بزرگی روبرو می شوند. پیامبر به پیامبری مبعوث شده ،
 دخترش زینب بی درنگ به او ایمان می آورد ، در حالی
 که شوهرش در سفر به سر می برد. **(زندگی)**

وقتی همسرش از سفر بر می گردد ، زینب به او می گوید:
 برایت خبر مهمی دارم ، پس از شنیدن آن اتفاق ، ابو
 العاص بدون کدم سخنی ، برخاسته و مجلس را ترک می
 کند. **(احترام)**

زینب سرا سیمه شده و دنبالش افتاده می گوید ! آخر ،
 پدرم به پیامبری مبعوث شده و من به او ایمان آوردم !
 ابو العاص می گوید: چرا اول من را در جریان
 نگذاشتی ، زینب در پاسخ میگوید: چون نمی خواستم
 پدرم را تکذیب کنم ، و پدرم دروغ گوی نیست ، بلکه
 صادق و امین است ، و اینکه من تنها نیستم ، مادر و
 برادرانم ، پسر کاکایم علی و پسر عمه ات عثمان و

دوست اش ابوبکر نیز به پیامبر خدا ایمان آورده
 اند **(شرح)**

ابو العاص گفت: اما من دوست ندارم مردم برایم
 بگویند: بخاطر رضایت خانمش بر سینه تمام اقوام
 دست رد زده و بر دین پدرانش کفر ورزیده و آیینی
 جدید را اختیار کرده است. **(گفت و گوی سازنده)**

زینب می گوید: اگر من ترا معذور نشمارم ، چه کسی
 ترا معذور خواهد شمرد! اما من همسر تو هستم ،
 راست و درست **(حق)** را بر تو نشان می دهم و ترا- تا
 زمانی که قدرت بیایی - بر پذیرش حق توصیه و

همکاری می کنم **(درک و شمولیت فهم)**
 20 سال ازین گفت و شنود می گذرد **(صبر به خاطر**

خدا)

ابو العاص بر کفر اش باقی می ماند و ایام هجرت
 پیامبر و یارانش فرا می رسد زینب نزد پیامبر خدا
 رفته می گوید: پدر جان! آیا برایم اجازه می دهی در
 مکه با شوهرم باشم و در کاروان هجرت با شما همراه
 نشوم؟! **(تبلور محبت)**

پیامبر پس از درنگی به او اجازه ی ماندن در مکه را
 میدهد. **(تبلور رحمت)**

زینب با شوهرش در مکه می ماند ، تا اینکه غزوه ی
 بدر فرار می رسد ، و ابو العاص شمشیر گرفته در
 صف قریش می ایستد تا در مقابل مسلمانان بجنگد
 صحنه جالب و حیرت آوری ، شوهرش در مقابل
 پدرش شمشیر کشیده و می جنگد.

زینب درین لحظات گریه کنان این دعا را بر لب دارد:
 " اللهم إني أختي من يوم تشرق شمسه فييتم ولدي
 أو أفقد أبي " پروردگار! از روزی می ترسم که آفتاب
 آن در حالی طلوع نماید ، که یا پسر مرا یتیم بینم و
 یا خودم بی پدر گردم! **(تلاقی بیم و امید)**

ابو العاص برای شرکت در غزوه ی بدر از خانه بیرون
 می زند معرکه پایان می باید ، ابو العاص اسیر گشته

درس زندگی /

زینب در مکه منتظر است و به استقبال ابو العاص به دروازه های شهر آمده است. همین که ابو العاص او را می بیند می گوید: سفری در پیش دارم زینب می گوید: کجا! او پاسخ میدهد: البته من که سفری ندارم، اما تو نزد پدر و خانواده ات بر می گردی (وفا به عهد)

زینب برای چه؟ ابو العاص: جهت جدایی بین من و تو، تو باید مدینه بروی زینب: نمی شود تو هم مسلمان شده و با من همراه شوی؟

ابو العاص: نخیر. سپس زینب پسر و دخترش را گرفته و مسیر مدینه را در پیش می گیرد. (اطاعت) زینب به خانواده ی پیامبر ملحق می شود، و درین میان که مدت شش سال را در بر می گیرد، مردان به خواستگاری او می آیند، اما همواره او رد میکند، بدان امید که روزی دوباره شوهرش به زندگی او برگردد. (وفاداری)

پس از شش سال، روزی ابو العاص ضمن قافله یی راه شام را در پیش گرفته است، از قضا در مسیر راه قافله را گم کرده و با چندی از اصحاب پیامبر خدا سر می خورد، و سراغ خانه ی زینب رضی الله عنها را می گیرد (اعتماد)

سحرگاه خانه ی زینب را می زند، زینب از او می پرسد که آیا مسلمان آمده ای؟ (امیدواری) پاسخ میدهد: نخیر، بلکه مسیر و قافله ام را گم کرده امد سپس زینب می گوید: آیا اراده ی مسلمان شدن داری؟ او میگوید: نخیر. (اصرار و تعهد)

سپس زینب می گوید: ترسی بر خود راه مده، خوش آمدید باد پسر خاله ام و پدر علی و امامه را (فضل و احسان)

و پس از اینکه نماز به امامت پیامبر و جماعت مسلمانان پایان می یابد، ناگهان صحابی یی از آخر مسجد ندا می زند: ابو العاص ابن ربیع در میان ما ست، و پناه داده شده است (مثبت نگری)

و اخبار جنگ به مکه می رسد. زینب می پرسد: پدرم چه کرد!؟

برایش می گویند: پدر زنش او را اسیر گرفت. سپس با خود می گوید، باید برای فدیة دادن و آزاد کردن شوهرم چاره یی بسنجم اما، هر چند جستجو کرد چیزی قیمتی برای ارسال کردن و رها نمودن شوهرش از بند اسارت نیافت و نداشت.

تا بالاخره گردن بندی را که مادرش خدیجه برایش هدیه داده بود از گردن در آورده و با برادر ابو العاص نزد پیامبر خدا فرستاد (تعقل و قانی)

پیامبر نشسته است و جریان آزاد سازی اسیران در مقابله فدیة را مدیریت و بررسی می نماید و چون چشمش به گردن بند خدیجه رضی الله عنها می افتد، می پرسد: این فدیة ی کدام اسیر است؟ (وفاداری)

سپس پیامبر برخاسته و می گوید: ای مردم! در مدتی که این مرد دامن ما بوده، از او بدی ندیده ایم، آیا او را از اسارت رها نسازیم؟! (عدالت)

و آیا می پذیرید که گردن بنداش را نیز به او برگردانیم؟! (تواضع یک رهبر)

همه با یکصدا گفتند: بلی می پذیریم ای پیامبر خدا (ادب لشکریان)

سپس پیامبر گردن بند را به او سپرده و برای ش می گویند: به زینب بگو که در مورد گردن بند خدیجه کوتاهی نکنی (اعتماد)

سپس پیامبر نزدیکتر آمده، آهسته در گوش اش گفت آیا می خواهی رازی را نیز برایت بگویم؟ پروردگرم دستور داده است تو که کافری و همسرت مسلمان است، شما را از هم جدا نمایم. آیا حاضری دخترم را برایم برگردانی؟

ابو العاص جواب داد: بلی (مردانگی)

درس زندگی /

سپس در حالی که همه حضور داشتند ، با صدای بلند فریادزد: « اشهد أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله به یگانه گی خدا و پیامبری فرستاده اش شهادت میدهم (نعمت)

سپس ، صبح گاه به شهر مدینه داخل شده و بر مجلس پیامبر روی آورد و گفت: ای رسول الله دیروز مرا پناه دادی و امروز خود آمده ام تا خودم را در پناه پروردگار بسپارم: اشهد أن لا اله إلا الله و أنك رسول الله ! (پاسخ به نیکی)

سپس فرمود: ای رسول خدا آیا می توانم دوباره به زندگی زینب برگردم؟

رسول الله دست اش را گرفته و گفتند ، با من بیا رسول الله همگان با داماد شان ابو العاص بر دروازه ی خانه ی زینب رضی الله عنها ایستاده دق الباب نموده و فرمودند: های زینب ! بیا که پسر خاله ات باز آمده است و از من اجازه ی مراجعه می خواهد ،

بگو آیا می پذیری؟ (پدیری مشاور)

زینب در حالی که چهره اش از شدت حیاء سرخ گشته بود ، بازه با تبسم پاسخ گفت (رضا به قضا)

یکسال پس از این واقعه زینب رضی الله عنها چهره بر نقاب خاک کشید ، و پرواز کرد و رفت. ابو العاص چنان بر عزایش گریست که رسول الله اشک های او را پاک نموده و او را تسلیت می دادند و ابو العاص روی به رسول الله نموده ، گفت ! به خدا قسم بدون او نفس کشیدن برایم سخت است ، و دنیا با همه ی

پنهایش بر من تنگ شده است (شریک زندگی)

ابو العاص نیز یکسال پس از مرگ زینب ، به دیدار یار شتافته و به دیار باقی پیوست (الارواح جنود مجنده)

اللهم صل و سلم علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه اجمعین /

رسول الله روی به یاران نموده ، فرمودند: آیا آنچه را من شنیدم شما هم شنیدید؟

یاران گفتند: بلی یا رسول خدا ! درین هنگام زینب از گوشه ای صدا بلند کرده ، گفت ابو العاص را اگر دور بگیریم پسر خاله است و اگر نزدیک انگاریم پدر فرزندان من او را پناه داده ام ای پیامبر خدا !

پیامبر ایستاده و گفت : ای مردم ! این مرد داماد بدی برای ما نبوده است ، در سخنانش صادق بوده و در عهده ی که با من بست نیز وفا کرد اگر بپذیرید و مال و قافله اش را کامل به او پس بدهید تا به شهر و دیارش برود بهتر خواهد بود ، و اگر هم موافق نباشید ، خودتان اختیار دارید (شورا)

مردم با یکصدا گفتند: بلکه مال اش را نیز به او برمی گردانیم ای فرستاده خدا (اخلاق مداری)

سپس پیامبر فرمود: در امان ماست کسی را که تو امان دادی ای زینب سپس نزدیک خانه ی زینب رفته برایش گفتند: از او درست پذیرایی کن ، چون پسر خاله و پدر فرزندان توست ، اما با تو نزدیک نشود چون این کار برای تان حلال نیست (شفقت و شریعت)

زینب گفت: درست است ای پیامبر خدا (اطاعت)

سپس زینب نزد ابو العاص رفته ، به او روی کرد و گفت: ای ابو العاص ! آیا دوری و جدائی ما از هم برای تو آسان می گذرد؟ (عشق و امید)

او گفت : نخیر و اموالش را گرفته و به مکه برگشت و چون به مکه رسید ، بر بلندی ایستاده و گفت: ای مردم ! این هم اموال شما ، آیا چیزی از اموال شما کم نیست؟

(امانت)

مردم اموال شان را دیده و گفتند: نخیر کم نیست ، خدایت خیر دهد و به میان نیکو وفا نمودی (سپاس ،

فطرت سلیم)

استاد عبدالعلی نور احراری

و بیشتر از شصت فیصد آن از حق العضویت زنده ها که اعضای مسجد اند تأدیه شده است در حالی که نه این کار شرعی است و نه منطقی، زیرا طوریکه گفته آمد:

ضرورت تعدیل لایحه قبرستان

1) پول کفن و دفن مرده برقرض مرده مقدم است یعنی اگر مرده قرضدار باشد از مال وی اول پول کفن و دفن او را بپردازند و اگر چیزی باقی ماند به قرضداران وی بدهند.

2) اگر وضع بر همین روال ادامه یابد که پول حق العضویت زنده ها به پول کفن و دفن مرده ها به مصرف برسد نه تنها پولی باقی می ماند که تکفای کفن و دفن را بکند و نه مسجد می تواند به پا ایستاده شود و آنگاه دروازه های مساجد بسته خواهد شد. بنابر این باید مجموع مصارف کفن و دفن اموات محاسبه شود سپس مجموع حق العضویت متوفی که در طول زمان پرداخته است از آن وضع شود و متباقی را باید از بازماندگان متوفی از پول وی تأدیه کنند و یا خود آن را تأدیه نمایند. مسئولین محترم مساجد باید با در نظر داشت نکات مذکور لوائح قبرستان را تعدیل نمایند و نگذارند که مرده ها به پول دیگران کفن و دفن شوند.

این نکته هم مهم است که هر عضو که پولی پرداخته است اگر بخواهد که با مسجد عضویت خود را قطع کند مستحق می شود که پول جمع آوری شده اش را از مسجد بگیرد زیرا از حقوق مسلمه وی به شمار می رود و شرعاً مستحق آن میشود.

ایجاب می کند که مسئولین محترم مساجد لیست اموات را مانند مسجد ابراهیم خلیل الله علیه السلام ترتیب کرده و از باقیداری هر میت به اقاربش خبر دهند تا اگر از وی چیزی باقی مانده باشد تحصیل شود. در فرجام این نکته را یاد آور می شوم که این مسأله شرعی باید به اطلاع مردم رسانیده شود تا از امور شرعی درقبال مصارف کفن و دفن آگاه گردند و بهتر خواهد بود هنگام دفن میت بر سر قبر مردم را آگان سازند هر چند به طبع عوام خوش نخورد و واکنش نشان دهند.

در بعضی مساجد شمال کالیفورنیا لایحه قبرستان را طوری ترتیب کرده اند که حیثیت بیمه مرگ را بخود گرفته است بدین معنی که مسجد را مکلف می سازد در بدل پرداخت حق العضویت ماهوار مصارف کف و دفن مرده را بپردازد درحالیکه مجموع حق العضویت شخص متوفی بین بیست تا سی فیصد مصارف کفن و دفن را پوره نمی کند بقیه مصارف از بودجه مسجد صورت می گیرد. متأسفانه مسجد بجز از همین حق العضویت ها دیگر بودجه ای ندارد و آن هم بخشی به ضروریات روزمره مسجد به مصرف می رسد. دوام این حالت اولاً مخالف صریح شریعت و ثانیاً مساجد را از پای در می آورد و به ورشکستگی می کشاند.

از نظر شرع مصارف کفن و دفن مرده باید از دارایی خودش صورت گیرد هر چند متوفی قرضدار باشد یعنی از دارایی که از وی بجا مانده باید پول کفن و دفن وی جدا گردد و سپس قرضهای وی تأدیه شود.

باگذشت زمان اندک اندک، ذخائر مالی مساجد رو به کاهش رفته و از عهده مصارف کفن و دفن اموات عاجز می آید و به ورشکستگی منجر می شود در آنصورت مساجد بسته می شود. وضعیت مصارف مسجد ابراهیم خلیل الله واقع در شهر فریمونت شمال کالیفورنیا را در قبال این مسأله مثال می آوریم:

از سال 1998 تا آخر سال 2017 تعداد مجموعی (اموات یکصد و هفتاد 170) میت. مجموع عواید از حق العضویت اموات سه صد دوازده هزار دالر، اضافه پرداخت مسجد از حق زنده ها ششصد هزار 600000 دالر.

مجموع مصارف اضافی مسجد در حدود ششصد هزار دالر بالغ میشود در حالی که شخص متوفی به صورت اوسط بین بیست تا سی فیصد مصارف کفن و دفن خود را پرداخته است

موقف علمای اسلام از واقعه نیوزیلند

رئیس اتحادیه بین المللی علمای اسلام دکتور احمد الریسونی در مورد جنایت نیوزیلند به خبر گذاری اناضول گفت: از عکس العمل عمل تروریستی نیوزیلند که در دو مسجد در شهر کریست چرچ در وقت نماز جمعه صورت گرفت و در نتیجه آن ده ها نفر شهید شدند ترس دارم.

واقعه نیوزیلند حاصل و ثمره ای عمل تشویق کننده و دشمنانه علیه مسلمانان است که از سالهای قبل در غرب آغاز شده است. غربی ها از مسلمانان می خواهند تا نظام تعلیمی و سیاست تبلیغاتی را در کشور های شان تغییر بدهند در حالیکه کشور هایی غربی هیچ کاری را برای علاج اعمال جنایتکارانه انجام نمی دهند.

غرب در یک امتحان بزرگ قرار دارد، آیا میخواهد زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان داشته باشد و یا اینکه دروازه جنایات را مانند نیوزیلند را باز کند. از عکس العمل واقعه ترس دارم زیرا کسانی که کشته شده اند دوستان و اقارب زیاد دارند و شدت همیشه شدت را خلق میکند.

همانطوریکه قوانین غرب هر نوع اهانت و مخالفت را با نژاد یهود منع می کند و کسانی که علیه نژاد یهود حرف میزنند محاکمه میشوند، برای کشور های غربی لازم است همین پالیسی را در حق مسلمانان نیز تعقیب کند. حکومت نیوزیلند به اساس قانون در مقابل جنایت کاران اقدام نماید.

مسلمانان مقیم نیوزیلند نباید تمام مردم آن کشور را مسئول جنایت نسازند و ساحه را برای تطبیق قانون بگذارند.

اتحاد بین المللی علمای اسلام از حرکت مردم الجزایر و سودان حمایت خود را اعلان کرد و از قوای امنیتی هر دو کشور خواست تا خون مردم را نریزیند و کشور های خارجی را به عدم مداخله در امور هر دو کشور هوشدار

داد /

دعا بعد از ختم نماز

یک عده از هموطنان عزیز از کانادا در مورد دعا بعد از ختم نماز معلومات خواسته اند.

دعا بهترین وسیله ارتباط بن مخلوق با خالق است، تقدیم دعا به شکل مناسب آن و قبولی آن یکی از بزرگترین آرزوهای مؤمنان و نیکوکاران به شمار میرود.

دعا به معنای نیایش و طلب کردن از الله سبحانه و تعالی است و ارزش آن در اسلام آنقدر فوق العاده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم دعا را شیره و مغز عبادت نامیده است و نشانه بندگی و اظهار عاجزی و فروتنی بوده و از جمله اعمال نیک و محبوب در نزد الله عزوجل بشمار می رود.

در مورد دعا بعد از سلام و خارج شدن از نماز در کتاب « فقه السنة » تألیف علامه شیخ سید سابق تحت عنوان (الاذکار و الادعیه بعد از السلام) آمده: از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم جمله اذکار و دعا بعد از سلام روایت شده که بهتر است برای نماز گزار که آنرا بگوید:

1 - ثوبان رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم زمانیکه از نماز خلاص میشد سه مرتبه استغفار می کرد و می گفت: « اللهم أنت السلام و منک السلام، تبارکت یا ذا الجلال و الإکرام ».

2 - معاذ بن جبل می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم دستم را گرفت و گفت: « ترا وصیت می کنم که بعد از ختم هر نماز بگو: اللهم أعنی علی ذکرک و شکرک و حسن عبادتک ».

3 - عبدالله بن الزبیر گفت: زمانیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم از نماز سلام می گشتاند می گفت: « لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد، و هو علی کل شیء قدیر، لا حول و لا قوة إلا بالله، و لا نعبد إلا إياه، أهل النعمة و الفضل و الشاء و

دعا بعد از نماز/

معرفی کتاب های جدید**ازدواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی**

تألیف: فضل غنی مجددی

این کتاب در ده فصل و 380 صفحه به طبع رسیده و برای مطالعه هموطنان عزیز آماده می باشد. قیمت کتاب 25 دالر و قیمت پست برای امریکا 5 دالر و برای اروپا 25 دالر. همچنان هموطنان عزیز از Amazon.com میتوانند کتاب را فرمایش دهند.

روش فکر معاصر اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

این کتاب در 498 صفحه موضوعات فکری مسلمانان را به بحث می گیرد. قیمت کتاب 25 دالر و قیمت پست داخل امریکا 5 دالر و برای اروپا 25 دالر. این کتاب را مستقیماً از آموزن نیز بدست آورده می توانید.

مطالعه تمهیدی عصر رسالت و خلافت راشده

تألیف: فضل غنی مجددی

این کتاب در 420 صفحه مهمترین مسائل اقتصادی و سیاسی عصر اول اسلامی از تاریخ 1 تا 40 هجری را به بحث می گیرد. قیمت کتاب 25 دالر و قیمت پست برای امریکا 5 دالر و برای اروپا 25 دالر است.

مطالعه تمهیدی در فقه حنفی و جعفری

(توافق و تفاوت)

طبع چهارم در 384 صفحه

قیمت کتاب 25 دالر امریکائی.

از هموطنان عزیز دعوت میشود تا کمک های خود برای ادامه نشرات فقه اسلامی فرستاده داخل اجر شوند. ادامه نشرات اسلامی ارتباط به کمک شما دارد.

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont, ca 94539
U.S.A

Tel (510) 979 – 9489

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

Islaminfo.one

الحسن، لا إله إلا الله مخلصين له الدين و لو كره الكافرون.

4 – المغيرة بن شعبة روایت میکند: رسول الله صلى الله عليه وسلم بعد از هر نماز فرض میگفت: «لا إله إلا الله وحده و لا شريك له ، له الملك و له الحمد و هو على كل شئ قدير : اللهم لا مانع لما أعطيت و لا معطي لما منعت و لا ينفع ذا الجد منك الجد».

5 – مسلم بن الحارث از پدرش نقل میکند که گفت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم « إذا صليت الصبح فقل قبل أن تكلم احداً من الناس : « اللهم أجرني من النار ، سبع مرات» اگر نماز صبح را خواندید ، قبل از اینکه با کسی صحبت نمائی بگوای خداوندا من را از آتش نجات بدهی

برای معلومات بیشتر به کتاب فقه السنه مراجعه فرماید.

مهم در دعا این است که مسلمانان بدانند چه می گوید به دلیل اینکه دعا عبادت است و دعا یکی از اسباب رسیدن به معراج به سعادت هر دو جهان میباشد ، لذا مسلمان ضرورت دارد تا اصل عبادت را بیاموزد و مطابق فرمایشات قرآن و سنت عبادت نماید.

آداب و شرایط دعا:

- 1 (آغاز نمودن دعا با حمد و ثنای الله عزوجل و ارسال درود و سلام به روان پاک رسول الله صلى الله عليه وسلم.
- 2 داشتن خلوص نیت و صدق دل هنگام دعا کردن.
- 3 داشتن یقین کامل بر اجابت دعا.
- 4 خواستن حاجت با خشوع ، خضوع و فروتنی.
- 5 طلب نمودن حاجت با خوف و امید .
- 6 پرهیز کردن از خوردن غذای حرام و استفاده از مال حرام.
- 7 خواستن مطالب مشروع از بارگاه الله تبارک و تعالی.
- 8 عجله نکردن در اجابت دعا .

نوت : نباید امامان و خطباء مردم را به امور ثانوی مشغول سازند و بهتر است در موضوعات ضروری حرف زده شود.